

روحانیت و پهل ساگی انقلاب اسلام



سر دبیر - عبدالرضا ایزدینیه

سال ۱۳۵۷ هجری شمسی، روحانیت انقلابی پس از چند دهه مبارزه ورنج و زندان و تبعید، ثمره تلاشش را یابید و با امید در آغوش گرفت و رخدادی را به چنگ آورد که قرن‌ها در انتظارش بود؛ چهل سال پیش، سپیده انقلاب بر بال سپیده فجر از مغرب برآمد و بر سپهر زمین ظهور دین را نوید داد.

جامعه روحانیت با رسالتی جدید و خطیر روبه‌رو شد و شتابنده دست آورد نوپا و نورخش را نواخت و ایران را در طلوع این نوزاد خجسته غرق شور و شادی کرد.

هاشمی رفسنجانی در سیمای ایران، که خود از روحانیان انقلابی بود، به نمایندگی انقلابیان و امام علیه السلام و خانواده معظم شهیدان انقلاب، آغازی نو و دوره‌ای جدید را در روند حرکت تاریخی ایران و اسلام و تشیع مزده داد. من شاگرد کوچکی در حلقه مبارزان و مبارز خستگی‌ناپذیر استاد و مرادم آیه‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله)، در جایگاه طلبه‌ای مبارز و مجاهد از حوزه علمیه باری سنگین بردوشم احساس می‌کردم. با این که شادمانی وصف‌ناپذیری داشتم، نگرانی نگرهبانی از این هدیه الهی، سلامت و بالندگی‌اش دل مشغولم کرده بود. استاد فرزانه‌ام علی حکیمی در آستانه پیروزی انقلاب به من گفت: ان شاء الله انقلاب پیروز می‌شود باید به فکر نیازهای پس از انقلاب و تثبیت در استمرار آن بود تا بتوان انقلاب را در برابر آفت‌ها و بیماری‌ها و هجمه‌های دشمنان و منافقان نگاه داشت.

دشمنان داخلی و بیرونی زدند.

واقعیات دهه شصت انقلاب را هیچ دوربین، قلم و رسانه‌ای نتوانست به تصویر کشد و اگر این دهه نیک شناخته شود بیماری‌ها و ناتوانی‌های چهل سالگی و فرصت‌ها و تهدیدهای امروز انقلاب فرادید می‌آید، ترور درنقاب نفاق، جنگ سهمگین تحمیلی استکبار جهانی، نوپایی و نوظهوری و بی‌سابقگی و بی‌تجربه دراستقرار حکومت دینی و مدیریت آن و از همه دردناک‌تر ضربه‌های غافل‌گیرکننده خودی‌هایی همچون شریعت‌مداری‌ها، خلق مسلمان و گروه‌های قومی و اقلیتی درخوزستان، کردستان، بلوچستان و ترکمن‌صحرای گلستان و اندوه‌بارتر از سوی کسانی که خود امید انقلاب بودند و از یاران بزرگ خمینی علیه السلام به کج‌راهه رفتند و افکار بخشی از انقلابیان را در حمایت از انقلاب به تردید افکندند. انقلاب در این گرداب سهمگین امام و بنیان‌گذارش را هم از دست می‌دهد و ایران اسلامی یتیم می‌شود و خبرگان در بیم‌نگرانی و بهت‌زدگی فقدان امام خمینی، رهبری انقلاب را تثبیت بخشیدند.

در این برهه حساس، که هم دشمن فروریختن انقلاب را انتظار می‌کشید و هم دوستان انقلاب در سرگردانی و نگرانی و بیم‌و امید بودند، ایمان دینی و شیعی مردم ایران و هم‌صدایی مراجع بزرگ شیعه با رهبری و اخلاص و بصیرت و هوشمندی رهبرجدید و امدادها و یاری امام زمان علیه السلام، کشور را از این همه خطرها و توطئه‌ها برآورد. در هیاهوگری و غوغاسالاری استکبار و دشمنان داخلی انقلاب اسلامی، شیطان درون از کار ننشسته بود و ویروس‌های نیمه‌خاکی

هجمه‌ها و توطئه‌های رنگارنگ و گوناگون و تهدیدگرایان انقلاب نوپا با شور و شعور انقلابی مردم و تدبیر و بصیرت امام خمینی علیه السلام و شاگردان برجسته ایشان، دفع شد و در کمترین زمان، جمهوری اسلامی پا گرفت و قانون اساسی دوره نوین حکومت دینی براساس اندیشه‌های تشیع با نقش پایه‌ای مردم مسلمان ایران تدوین و رسمی شد.

مردم مسلمان ایران در نگرهبانی از حکومت نوپای دینی‌اش صدها شهید دادند و در این میان سهم فرزندان حوزه‌های علوم دینی چشم‌گیرتر بود، دشمنان داخلی و خارجی انقلاب را که روحانیان انقلابی را مقصر اصلی این پدیده بزرگ و باورنکردنی و با روی استوار در برابر به‌کج‌راهه کشاندن آن می‌دانستند، مهره‌های اصلی و اندیشه‌ورز انقلاب که روحانیان برجسته انقلابی بودند هدف قرار دادند و به‌گمان غلطشان اندیشه‌ورزان و نظریه‌پردازان انقلاب را زدند تا این نونهال، نحیف بماند و دیرنپاید یا به انحراف کشانده شود.

اما امام خمینی علیه السلام همه این خون‌ها را طراوت‌بخش نهال انقلاب و عامل برزندگی و استواری آن می‌شمرد و فرمودند: «ما را بکشید این انقلاب زنده‌تر می‌شود.» با این‌که در تراژدی غم‌بار هفتم‌تیر و ترورهای شه‌ریور ارکان اصلی انقلاب همچون شهید بهشتی و دیگر اندیشه‌وران انقلابی و سخت‌کوش، شهیدان رجایی و باهنر و قدوسی و پیش از آن شهیدان مطهری و مفتاح‌ها آماج کین ترور نفاق و استکبار شدند، با هر تروری مردم در پاسداری از انقلاب و در دفاع از امام خمینی علیه السلام پرشورتر و استوارتر گردیدند و فریاد «دشمن درچه فکریه/ ایران پر از بهشتیه» را برفرق

انقلابیان و روحانیان آفت‌های ناشناخته و نادیده را زیرپوست حرکت رو به جلوی انقلاب شکل داد. امام خمینی علیه السلام و پس از آن جانشین فرزانه‌اش و عالمان عارف، هشدارها دادند که از این زاویه بررسی رهنمودهای این دو رهبر تحسین برانگیز است که چگونه درکشاکش و هیاهو و توطئه‌های رنگارنگ سده‌دهه گذشته، شیطان درون را خطرناک‌تر از شیطان بیرون می‌دانستند و درکنار مراقبت نفس خویش، همه کنش‌گران انقلاب را به مراقبت نفس از وسواس خناس فراخواندند. با این همه گرچه دشمن بیرون، فرصت‌ها را از جمهوری اسلامی گرفت، ولی در پردازش چهل‌ساله جمهوری اسلامی و حال امروز چهل‌سالگی عامل اصلی رخزردی انقلاب دشمن درون است.

به گفته شهید صدر انقلاب اسلامی انفجار نور بود؛ نور محبت اهل بیت علیهم السلام، نور ایمان به عدالت و پارسایی و فرزاندگی امامان شیعه، انوار عاشورا و نهج‌البلاغه و نورخون پاک شهیدان انقلاب اسلامی.

آیه‌الله خامنه‌ای چه نیک، رمز استواری و امتداد و پایداری انقلاب را در برابر هجمه‌های بیرونی و درونی یافت و شناخت و از آن در استواری انقلاب بهره برد و آن اکسیر پاسداری از خون شهیدان و قدردانی از شهدا و اسوه‌برداری جوانان و نسل‌های پس از انقلاب، از آنان است.

کلمه کلیدی «انقلابی‌ماندن» درگفتمان رهبری، پاسداری از همین نور و دست‌آوردهای معنوی و روح انقلاب است که نگاهبان و فدایی دل‌باخته انقلاب می‌سازد و در چهل‌سالگی

انقلاب و گام دوم نیز رمزوراز بالندگی انقلاب اسلامی را در کشور و دنیا همان روحیه انقلابی می‌داند.

در چهل‌سالگی انقلاب حوزه‌های علوم دینی که مهد انقلاب اسلامی و راهبران آن بودند، بایستی عریان و بدون هیچ خودسانسوری بنشینند و این چهل‌سال را بررسی کنند که کجا بودند، چه کردند و چه باید می‌کردند و اکنون کجا هستیم و چه باید بکنیم؛ رازورمز ماندگاری تا چهل‌سالگی انقلاب چه بوده است و هم‌اکنون و در آینده با چه تهدیدها و فرصت‌هایی روبه‌رو هستیم. آینده‌پژوهانه و واقع‌بینانه و بی‌طرفانه همه این‌ها را بررسی و انتظار آن بود که چهل‌سالگی انقلاب در حوزه‌های علوم دینی و دانشگاهی با غرور و افتخار نواخته می‌شد و ده‌ها کرسی بررسی آزاداندیشانه و هسته‌های اندیشه‌ورزانه چهل‌سالگی انقلاب اسلامی را در بستر حرکت جهانی‌اش، آینده‌پژوهی می‌کردند و تهدیدها و فرصت‌ها را بر مبنای تصمیم‌سازان می‌نهادند.

نمی‌دانم، چرا نهادهایی که بایست خود جلوداران این مهم باشند خواب‌زده شده‌اند؟! شایسته بود مجمع تشخیص مصلحت نظام در طراز جایگاه خویش، کار طراز و کارگشا در بررسی این چهل‌ساله انجام می‌داد و با قطب‌نمای سیاست‌های کلان مصوب و مورد تأیید رهبری، جهت‌گیری‌های کنونی انقلاب را برمی‌سنجید؛ یا آن‌که شورای عالی انقلاب فرهنگی گذشته خود و سهمی که در این چهل‌سالگی در سکان‌داری فرهنگ ایران داشته است و فرصت‌های از دست‌رفته را فرادید می‌نهاد و با خودانتقادی سهم خویش را

دل‌نگرانی‌های اساسی مردم را که برخاسته از نبود مشی طراز و فرایند نامتوازن اجرایی است، برمیز نقد و واریسی نهد و آینده‌نگرانه و آینده‌پژوهانه، بیماری‌های این زردخی و لرزه‌اندامی خود را بشناسد و طبیبانه با همکاری قوای دیگر و هدایت‌های رهبری و شناخت خواسته‌های درست مردم، راه علاج و درمان را شناسایی کند و خاستگاه فساد به‌ویژه فساد اداری را بخشکاند و انقلاب اسلامی را برای حرکتی توانمند و سرزنده و طراوت‌بخش در گام دوم انقلاب آماده سازد. این یادکرد نیزگفتنی است، که در طول چهل‌سال در کنار شهادت‌ها و رشادت‌ها و حضورهای به‌هنگام مردم و راهبری هوش‌مندانه و پیش‌برنده و آینده‌اندیشانه رهبر فرزانه انقلاب، مدیران و مسئولان کشور در کار و مسئولیت خویش تلاش‌ها کردند و توفیقاتی اساسی داشتند که اگر آن‌ها نبود با ناگواری‌هایی دیگر و بیشتر روبه‌رو بودیم، ولی آنچه انتظار است کاروتلاش و تدبیر و هوشیاری در طراز انقلاب و برابر با تهدیدهای استکبار جهانی و هدف بلند انقلاب است؛ انتظار ملتی که انقلابش را طلایه‌دار انقلاب جهانی مهدی علیه‌السلام و گسترش عدالت جهانی و اصلاح همه جهان می‌داند به دست مدیران و مسئولان و راهبرانی است که هم خود مصلح عادل و هم اصلاح‌جو و عدالت‌پو باشند.

حوزه‌های علوم دینی و نهادهای حوزوی هم یک‌به‌یک با این سنجه و هدف و طراز در چهل‌سالگی انقلاب بایست به خودانتقادی و بررسی و تحلیل عمل و حرکت چهل‌ساله خویش بپردازند و سهم خویش را در اکنونی

در بلبشوی فرهنگی کنونی مملکت می‌یافت و چاره می‌کرد؛ یا آن‌که مجلس شورای اسلامی کارنامه چهل‌سالگی‌اش را در قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای درست قانون برمی‌رسید و اصلاح آینده‌پژوهانه در قوانین جمهوری اسلامی و نوع قانون‌گذاری‌اش را در دستورکار قرار می‌داد. نمی‌دانم، دو مؤسسه پژوهشی حوزوی و کشوری مجلس در شهر قم و تهران در این باره چه کرده‌اند؟! شایسته است قوه قضائیه با سکنداری جدیدش - که به گفته حکیمان جهان، نهادی است که اگر نبضش درست بزند، مملکت را آسیبی تهدید نمی‌کند و از خطرهای سربلند بیرون می‌آید - سهم خود را در حال و وضع چهل‌ساله انقلاب بررسد و عدالت قضایی را که هم‌زاد قداست کشور است و استواربخش امنیت، برمیز نقد نهد و این قوه مهم کشور را که اجرای عدالت و نظارت برحسن اجرای قوانین از وظایف اساسی اوست در برابر آسیب‌ها و آفت‌های احتمالی و ورود به گام دوم انقلاب اسلامی بسترسازی نماید، تا فضا و بستری سامان‌یابد که ضعیفان و ناتوانان بتوانند مطالبه‌گرانه از خود دفع ستم کنند و به حقشان برسند و کنش‌گران سیاسی و اجتماعی دلسوز و دغدغه‌مند کشور و انقلاب، شادمانه و بدون هیچ نگرانی بتوانند بیشتر نقش انقلابی و ایرانی-اسلامی‌شان را در رشد و کمال و حراست از انقلاب و کشورشان ایفاکنند که: «لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤَخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنْ الْقَوَى غَيْرِ مُتَتَعَتِعٍ» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). شایسته است قوه مجریه که نقش کلیدی در فساد، اصلاح، طراوت و نقاهت کشور دارد، امروز در کنار درگیری‌های اجرایی،

وضع کشور و انقلاب به‌ویژه در عرصه فرهنگ و ایمان دینی و رکن اسلامیت جمهوری اسلامی وارسند. درحوزه‌های علوم دینی هم چهل‌سالگی انقلاب اسلامی به‌گونه‌ای بایسته پاس داشته نشد. انتظار آن بود که همانند جشن دهه فجر حوزویان به استقبال چهل‌سالگی جمهوری اسلامی می‌رفتند و این موهبت بزرگ الهی را پاس ویژه می‌داشتند.

دفترتبلیغات اسلامی که نقش مؤثری در روند حرکت چهل‌ساله به‌ویژه در عرصه تبلیغ و فرهنگ و پژوهش داشته است و خود نیز در این روزها چهل‌ساله می‌شود، شایسته است فرمان حرکت خویش را با خواسته‌های رهبری در این چهل‌سال برسجد و طراز کند و خود را برای نقش‌گذاری درگام دوم انقلاب اسلامی آماده‌سازد. انتظارات امام و رهبر فرزانه انقلاب اسلامی از دفتر تبلیغات اسلامی در طول چهل‌ساله هم‌روشن و هم‌نمایش‌دهنده جایگاه مهم دفتر در نزد رهبران انقلاب است که خود برای فهم هویت و جایگاه دفتر بایستی همه سخنان امام و رهبری را در فرایند چهل‌ساله بررسید و رهنمودهایشان را در این شبکه مفهومی تفسیر و تحلیل کرد و به بررسی و نقد کارنامه چهل‌ساله دفتر پرداخت که در این شماره مجله حوزه نیم‌رخ از آن در پرونده یادآور شده است و درآینده به‌گونه‌ای ویژه به آن خواهیم پرداخت.

انتظارات رهبری از دفتر در عناوینی نظیر «ابر بابرکت»، «نماد روشن‌فکری حوزوی»، «نهادی روشن‌اندیش و انقلابی» بیان نمودند و انتظارات کنونی از دفتر را هم در دیدار پدران و مهربانان پایان سال گذشته برای ورود به گام دوم انقلاب فرمودند که در این اندک زمان در سطح‌های مختلف دفتر مورد بررسی و کاوش و تحلیل قرارگرفت و سرمایه‌ای سودمند و راه‌گشا برای حرکت نوین مسئله‌محوری و کارکردگرا در قالب قطب‌های فکری و فرهنگی با اهداف و برنامه‌ها و کارکرد روشن گردد.

در این دیدار که نگارنده آن را «دیدار آفتاب» نام‌نهادم رهبر فرزانه، خورشیدفام هم‌اصحاب دفتر تبلیغات اسلامی را نواختند و هم‌راه نمودند و افق‌گشودند. برنامه‌های در دست‌اقدام دفتر تبلیغات به‌ویژه در قالب قطب‌ها را تأیید کردند و رویکرد و مسائل جدیدی را از دفتر خواستند: نخست به جایگاه بلند دفتر در روشن‌اندیشی و روشن‌فکری با حفظ اصالت‌های حوزوی و انقلابی اشاره فرمودند و دفتر را پدیده‌ای در این ساحت نامیدند و به پاسخ‌گویی مسائل نوپیدا در میدان‌هایی همانند هنر، تئاتر، معماری، فضای مجازی فراخواندند و تبلیغ نوین و روش‌های نو در تبلیغ همراه با تربیت نیروهای مؤمن را خواستار شدند و این خوش‌هدیه‌ای به دفتر تبلیغات اسلامی در آستانه چهل‌سالگی‌اش و ورود به گام دوم انقلاب بود.

امید آن‌که باز هم دفتر تبلیغات اسلامی با مدیریت هوش‌مندانه و روشن‌اندیشانه‌اش ببالد و چونان «ابر با برکت» در سپهر کشور و جهان بدرخشد! **إن شاء الله!**